

بررسی ماهیت و آثار به کارگیری الگوی حل اختلاف فیدبک در اتاق بازرگانی ایران-عراق

امیر رضائی^۱، امیرعباس بزرگمهر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵

چکیده:

در تازه‌ترین الگوی حل اختلاف که اخیراً در وزارت نفت پیاده‌سازی شده، چند روش حل اختلاف به صورت ترکیبی، پیش شرط داوری قرار گرفته و مراجعه به داوری و درنهایت نظام قضائی به‌عنوان آخرین راه‌حل اختلاف می‌باشد. هدف از به‌کارگیری این الگو، کاهش هزینه‌های حل اختلاف و رضایت نسبتاً بالا از آن است. این روش در حقوق ایران تا حدود زیادی ناشناخته بوده و عرف حقوقی مربوط به آن مبهم است. در این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی به بررسی ماهیت و آثار به‌کارگیری این روش حل اختلاف در اتاق بازرگانی ایران و عراق پرداخته شد، این بررسی از آن‌جهت حائز اهمیت است که میزان رضایت از احکام صادره اتاق مذکور چندان بالا نیست و درعین حال به دلیل مراودات تجاری وسیع بین دو کشور، حجم پرونده‌های اختلاف زیاد است. نتیجه چنین شد که در صورت رضایت طرفین در به‌کارگیری این روش حل اختلاف، می‌توان آن را در چارچوب حقوقی صحیح دانست. اما در صورت عدم اراده در انتخاب آن، به‌موجب قواعد اداری اتاق بازرگانی، نمی‌توان آن را نوعی روش اجباری حل اختلاف دانست، چراکه اصل داوری در اتاق بازرگانی اجباری نیست. در صورت اصلاح مقررات مربوطه و اجبار در استفاده از این روش، می‌توان میزان رضایت از حل اختلاف اتاق بازرگانی ایران و عراق را بالا دانست.

واژگان اصلی: داوری، اتاق بازرگانی، اختلافات تجاری، پیش شرط داوری، روابط ایران و عراق.

۱. دانش آموخته مقطع دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه عدالت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه و بیان مسئله

معروف‌ترین روش حل اختلاف خارج از نظام قضائی، داوری بوده و حکم آن برخلاف دیگر روش‌ها، لازم‌الاجراست. در چارچوب قوانینی که برای داوری تعیین شده است، نهادهای متولی هر کسب تخصصی، سعی در راه‌اندازی سازوکار داوری داشته که به آن جنبه اداری بخشند. در واقع نهادهای اجرایی متولی برخی امورات تخصصی، وظیفه حل اختلافات بین اعضاء را به دست گرفته و این اقدام گامی مهم در جهت همکاری بین سازمان‌های اجرایی با نهادهای قضائی می‌باشد. مثلاً سازمان صنعت-معدن و تجارت استان‌ها برای حل اختلافات بین صنایع و تجار، اتاق داوری تأسیس کرده‌اند. طبیعتاً داوری توسط سازمان‌ها می‌بایست کاملاً در چارچوب قوانین مدونه داوری باشد. اما در حیطه رویه اداری، قواعدی خاص برای آن لحاظ شده که به نوعی، رویه اداری نیز به آن بخشیده شده است.

با گسترش روابط ایران و عراق از سال ۱۳۸۲ به بعد (سقوط حکومت بعثی‌ها) حجم روابط تجاری گسترش داشته و مرادوات بین تجار دو کشور نسبت به قبل افزایش قابل توجهی داشت. این چنین مرادوات و به تبع آن وجود اختلاف بین ایران و عراق، اتاق بازرگانی را به فکر تأسیس اتاقی مستقل برای رسیدگی به مشکلات تجار دو کشور انداخت.

دو کشور اسلامی ایران و عراق در حال توسعه بوده و به تجارت سالم و گسترده متقابل نیاز دارند. در عین حال برخی اصول تجارت بین تجار دو کشور به خصوص برای طرف عراقی هنوز نامتعارف بوده و همین موارد سبب بروز اختلافات نسبتاً وسیع بین تجار گردیده است. وضعیت نارضایتی کنونی از آرای اتاق بازرگانی ایران و عراق مناسب وضعیت اقتصادی دو کشور نبوده و ضرورت داشته که به هر طریق ممکن با ارائه الگویی جدید به اتاق، نسبت به رشد رضایت از این آراء اقدام نمود. بنابراین انجام چنین تحقیقی می‌تواند ضمن ارائه الگوی جدید حل اختلاف به عراق، گامی در جهت رشد رضایت و کاهش هزینه حل اختلاف بردارد.

هرچند که قهری بودن یکی از ویژگی‌های نظام قضائی هر کشور محسوب می‌شود، اما نمی‌توان عنصر رضایت از آن را نادیده انگاشت. در واقع افکار عمومی اثربخش‌ترین عامل فشار در هر کشور بوده که گاه دولت‌ها و حکومت‌های ابرقدرت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اولویت نخست نظام قضائی که بخشی از حکومت‌ها محسوب می‌شود اجرای عدالت بوده و کسب «بالاترین درجه رضایت شهروندان» نیز دغدغه دیگر آن است. ذکر عنوان «بالاترین درجه رضایت» و نه عنوان «رضایت کامل» بدین معناست که الگو و رویه نظام‌های قضائی مبتنی بر عدالت است، هرچند که این رویه برخلاف میل شهروندان

باشد. اگر رضایت کامل در الگوی نظام قضائی جای داشته باشد، قاطعیت این نظام زیر سؤال رفته و اجرای عدالت محقق نخواهد شد. بنابراین اجرای قهری عدالت از ویژگی‌های هر نظام عدالت است. هدف از ذکر جایگاه رضایت شهروندان از نظام قضائی این بود که هراندازه اعتراض عمومی نسبت به نهادهای قضائی افزایش یابد، طبیعتاً تأمل در مورد الگوی آن می‌بایست بیشتر باشد. در حال حاضر تجار و بازرگانان از رویه حل اختلاف اتاق بازرگانی ایران-عراق رضایت کامل نداشته و بنابراین تجدیدنظر در این رویه ضروری به نظر می‌رسد. به عقیده نگارنده، اجرای الگوی «فیدبک»^۱ در اتاق بازرگانی مذکور می‌تواند به رضایت بهتر تجار ختم شود. بر پایه این الگوی نسبتاً نوپا، روش‌های دیگر حل اختلاف همچون سازش، میانجی‌گری و ... به صورت نوبتی پیش شرط داوری قرار گرفته و سعی شده که در اختلافات کوچک، به داوری مراجعه نشود. بدین صورت اختلافات کوچک با هزینه کمتر حل شده و در نهایت اگر طرفین موفق به حل اختلاف نشوند، داور از خلال اطلاعات موجود در روش‌های پیشین، حکم لازم‌الاجرا صادر می‌کند. این الگو در شرکت‌های نفتی به خوبی اجرا شده و محقق در نظر دارد که آثار به کارگیری این الگو در اتاق بازرگانی ایران و عراق را بررسی کند.

۱- اهداف و سؤالات پژوهش

هدف پژوهش پاسخ به این سؤال است که ماهیت و اثر به کارگیری الگوی حل اختلاف چندمرحله‌ای در اتاق بازرگانی ایران و عراق چیست؟

۲- پیشینه پژوهش

حاجی میرآقا (۱۳۹۸) در تحقیق خود چنین بیان داشت که تمامی قواعد حل اختلاف اتاق بازرگانی ایران به صورت داخلی، با الهام از قوانین مادر که همان اتاق بازرگانی بین‌الملل می‌باشد، نگاشته شده است. رفیعی (۱۳۹۷) موافقت‌نامه داوری را ارجح‌تر از قواعد حل اختلاف اتاق بازرگانی دانست. طاهری (۱۳۹۶) لزوم اجرای آرای داوران خارجی را نقطه‌ضعفی بر قواعد حل اختلاف داخلی دانست. سربازیان و رضائی (۱۳۹۴) داوری اتاق بازرگانی را بیشتر به کارشناسی شبیه دانستند. تحقیقات بسیار وسیعی در حوزه داوری انجام شده است. در خصوص اتاق بازرگانی به خصوص

^۱ Feedback

اتاق بازرگانی ایران و عراق نیز تحقیقاتی صورت گرفته است. در مورد الگوی جدید حل اختلاف که در صنعت نفت به «فیدبک» معروف است نیز تحقیقات اندکی انجام شده که عمدتاً به ساختار اداری سازمان فیدبک اشاره شده است. اما تحقیق کنونی در خصوص کارایی این الگوی جدید در اتاق بازرگانی ایران و عراق که زائیده فکر محقق است تاکنون مورد توجه محققین قرار نگرفته و درعین حال به دلیل نقش تجارت در اقتصاد دو کشور اسلامی ایران و عراق، در راستای اهداف پیشرفت اسلامی - ایرانی محسوب می‌گردد.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق به صورت تحلیلی-توصیفی است که در علم حقوق رواج داشته و فاقد محاسبات عددی است. محقق با استفاده از منابع معتبر فقهی و حقوقی سپس فیش برداری از آنان نسبت به تحلیل و توصیف مطالب اقدام کرده است.

۴- ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

۴-۱- مبانی نظری

در این قسمت به بیان مباحث نظری پژوهش پرداخته شده است. هدف آن است که معرفی مختصر از مفاهیم پژوهش صورت پذیرد. مباحث مطروحه حول سه محور روش‌های حل اختلاف، الگوی فیدبک و اتاق بازرگانی ایران و عراق متمرکز است.

۴-۱-۱- روش‌های جایگزین حل اختلاف

بحث در خصوص روش‌های جایگزین حل اختلاف از بدیهیات حقوقی بوده و مطالب بسیار گسترده‌ای در این خصوص موجود است. بنابراین، جهت اطاله کلام از معرفی کامل آن‌ها خودداری شده و گزیده‌ای از تعاریف مرتبط، جهت آشنایی بیان گردیده است.

در یک تقسیم‌بندی کلی، حل اختلاف به دو دسته قضائی و غیرقضائی تقسیم می‌شوند. حل اختلاف در نظام قضائی در شورای حل اختلاف و یا دادگاه‌های حقوقی انجام می‌شود که عملی نسبتاً زمان‌بر و پرهزینه محسوب می‌گردد، به‌خصوص آنکه ممکن است دادرسی در موضوع اختلاف تخصص کافی نداشته باشد. روش‌های غیرقضائی نیز به دو دسته الزام‌آور و غیرالزام‌آور تقسیم شده که منظور از الزام، لازم‌الاجرا بودن حکم شخصی است که به حل اختلاف می‌پردازد.

معروف‌ترین روش حل اختلاف غیرالزام‌آور، میانجی‌گری است که مطابق آن، یک شخص ثالث بی‌طرف به طرفین دعوی کمک می‌کند تا به یک‌راه حل توافق شده و دوجانبه دست یابند (دهقانان و آشفته، ۱۳۹۴: ۸۰۰).

سازش به‌عنوان آئینی دیگر از روش‌های حل اختلاف تعریف شده که طی آن، یک شخص ثالث بی‌طرف با طرفین دعوی مذاکره کرده و درصدد کشف یک راه‌حل برای حل اختلاف است (شیروی، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

آیین مدوالا که عنوان آن از اختصار کلمات **MEDiation - And - Last - ter Arbitration** به معنی میانجیگری و داوری براساس آخرین پیشنهاد می‌باشد، بدین صورت است که پس از ختم پروسه میانجیگری هر یک از طرفین آخرین و بهترین پیشنهاد خود را به داور/داوران منتخب ارائه می‌دهد و داور/داوران از میان این دو پیشنهاد فقط یکی را به‌عنوان رأی و نظر خود پذیرفته و اعلام می‌دارند (دهقانان و آشفته، ۱۳۹۴: ۸۰۲).

داوری تنها روش الزام‌آور حل اختلاف محسوب می‌گردد. به زبان ساده، داور می‌بایست به موضوع خود متخصص باشد. این موارد حکایت از آن دارد که داوری نیاز به تخصص داشته و شرایط خاص آن را قانون تعیین می‌نماید. یکی از شرایطی که عقلاً و قانوناً می‌بایست در نصب داور لحاظ گردد و حتی بدیهی‌ترین آن‌ها، «اهلیت داوران» است. باتوجه به الزام‌آور بودن رأی داور و وجود منابع حقوقی متعدد در این خصوص، نگاهت قرارداد داوری پیش از اجرا ممکن بوده و لذا حقوق اداری در این مورد قابل اجراست (قنبری، ۱۳۸۸: ۱).

داوری مشهورترین روش حل اختلاف است که الزام‌آور بودن رأی آن، وجه اصلی اختلاف آن با دیگر روش‌های حل اختلاف و همچنین نقطه قوت آن است. داوری در برخی امورات که قانون تصریح کرده، اجباری و در غیر این صورت اختیاری می‌باشد. اجبار در داوری به دو صورت ممکن است؛ نخست به‌واسطه قانون در مورد خاص و دوم به‌واسطه توافق اولیه در قرارداد.

در حال حاضر داوری در اتاق‌های بازرگانی از نوع داوری نهادی بوده که در چارچوب قوانین داوری و به‌صورت اداری صورت می‌پذیرد. البته قابل ذکر است که میانجی‌گری نیز در اتاق بازرگانی مرسوم بوده و همپای داوری از روش‌های حل اختلاف محسوب می‌گردد.

۴-۱-۲- الگوی فیدبک

در مواردی که داور، به‌صورت کدخدامنشانه سعی در سازش بین طرفین داشته باشد، حکم صادره

وی از درجه رضایت بیشتری برخوردار است. اما صدور رأی به صورت غیرانعطاف پذیر و عدم تلاش برای سازش، معمولاً رضایت چندانی برای طرفین نداشته و این رویه در داوری‌های اداری مشهود است. در واقع الزام‌آور بودن رأی داور که نقطه قوت محسوب می‌شود، در عین حال در صورت عملکرد خشک و رسمی می‌تواند نقطه ضعف آن نیز تلقی شود. تجربیات نشان داده که برای این مشکل نمی‌توان روش جدید حل اختلاف ارائه داد (الکساندر^۱ و چونگ^۲، ۲۰۲۰: ۱۲۵). در واقع آنچه برای حل اختلاف مورد استفاده بوده، در روش‌های موجود به‌عنوان سازوکار تعیین شده و نمی‌توان روشی جدید معرفی کرد. اما با اضافه کردن برخی تشریفات به داوری، می‌توان این نقطه ضعف را مرتفع نمود. انجام داوری مستلزم طی تشریفات بوده که در طول حل اختلاف، ممکن است شراکت در فعالیت‌های اقتصادی کلان موقتاً تعطیل شود. بنابراین می‌توان برای داوری شرط تعیین کرد که اولاً طرفین اختلاف مستقیماً به سراغ داوری نروند، دوماً اختلافات کوچک را بتوان با تشریفات ساده‌تر مرتفع نمود تا بدین صورت هر اختلاف کوچک موجب تعطیلی شراکت نشود (گوتتهاری^۳ و هیوریس^۴، ۲۰۱۸: ۴۵۱).

دغدغه اصلی تجار از انتخاب داوری به‌جای سیستم قضائی، تسریع در روند حل اختلاف بوده که طولانی شدن این فرآیند موجب زیان آن‌ها نگردد. اکنون همین دغدغه در خصوص داوری اعمال شده و چنین عنوان گردیده که می‌توان با پیش شرط‌های داوری که همان روش‌های غیرالزام‌آور می‌باشد، هر اختلافی را مستقیماً به داوری ارجاع نداد. در چنین وضعیتی حتی اگر اختلاف به داوری ارجاع پیدا کند، داور از خلال روش‌های ناموفق حل اختلاف پیشین توانسته اطلاعات مناسبی را جهت حل اختلاف جمع‌آوری کند؛ بنابراین حل اختلاف در جریان داوری که به‌عنوان آخرین راه‌حل شناخته شده، با سهولت انجام خواهد شد (هیکمان^۵ و سیلوا^۶، ۲۰۱۸: ۱۳۶).

بنابراین الگوی جدید حل اختلاف که به «حل اختلاف چندمرحله‌ای» و یا «پیش شرط‌های داوری» معروف است، برای نخستین بار توسط سازمان فیدبک و در کنسرسیوم‌های نفتی ارائه شد. به‌موجب این الگوی جدید، شرکا پس از بروز اختلاف، ابتدا می‌بایست برای رفع آن جلسه مشترک تشکیل دهند. در

^۱ ALEXANDER

^۲ CHONG

^۳ Guthrie

^۴ Hioureas

^۵ Hickman

^۶ Silva

صورت عدم سازش، یک کارشناس خبره فرآیند میانجی‌گری بین آن‌ها را عهده‌دار شده و در نهایت اگر میانجی قادر به سازش بین آن‌ها نبود، داور برای حل اختلاف تعیین می‌شود. این الگو در شرکت‌های نفتی تا حدودی موفق عمل کرده، لیکن اجرای آن در دیگر صنایع مشهود نبوده و به دلیل ناشناخته بودن این الگو، ابهامات حقوقی در مورد آن فراوان است.

۴-۲- اتاق بازرگانی ایران و عراق

اتاق بازرگانی ایران و عراق زیرمجموعه‌ای از اتاق بازرگانی ایران بوده که به صورت تخصصی متولی تجارت بین ایران و عراق محسوب می‌شود. داوری اختلافات تجار نیز به صورت نهادی به این اتاق سپرده شده است. ذیل به بررسی مشخصه این نهاد پرداخته شده است.

۴-۲-۱- تبعیت از اتاق بازرگانی ایران

اتاق یا شورای مشترک بازرگانی، مؤسسه‌ای عمومی، غیردولتی، غیرتجاری و غیرانتفاعی و وابسته به اتاق ایران است که به استناد بندهای «د» و «ن» ماده ۵ قانون اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ طبق اساسنامه صرفاً برای توسعه روابط اقتصادی در تمام بخش‌های صنعتی، بازرگانی، معدنی، کشاورزی و خدمات و تشویق مبادلات و سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه بین ایران و کشور هدف تأسیس می‌گردد. به موجب ماده ۲ قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران، اتاق بازرگانی ایران، موسسه‌ای غیرانتفاعی است که دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی می‌باشد. این تشکل، جهت ایجاد هماهنگی و همکاری میان بازرگانان و صاحبان صنایع و معادن، در مراکز تجاری مهم مملکتی، برحسب تقاضای تجار محل و پیشنهاد وزارت اقتصاد ملی و با تصویب دولت به وجود می‌آید (رفیعی، ۱۳۹۷: ۵۲).

از نظر اداری، اتاق بازرگانی ایران و عراق، تحت قواعد اتاق بازرگانی ایران تأسیس شده و در غیاب مقررات اداری مشخص، تابع مقررات اداره متبوع خود می‌باشد. مقررات اداری داوری تجاری در اتاق بازرگانی ایران مصوب شده و لذا اتاق بازرگانی ایران عراق با همان قواعد نسبت به حل اختلاف تجار ایرانی و عراقی اقدام می‌نماید.

۴-۲-۲- اساسنامه اتاق بازرگانی ایران و عراق

اساسنامه اتاق بازرگانی ایران و عراق که در این پژوهش به اختصار از آن بانام «ا.ا.ع» نام برده شده است، مهم‌ترین مقررات اداری در رابطه با روال تولی اداری تجارت بین ایران و عراق می‌باشد. این اساسنامه مشتمل بر ۹ بخش و ۵۱ ماده می‌باشد. به موجب ماده یکم این قانون اتاق مشترک بازرگانی

ایران و عراق که در این اساسنامه اتاق مشترک نامیده می‌شود؛ به استناد بندهای «د» و «ن» ماده ۵ قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۱۵ با اصلاحی ۱۳۷۳/۰۹/۱۵ و آیین‌نامه تشکیل و نظارت اتاق‌های مشترک بازرگانی و صنایع و معادن مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۰۳ به موجب پروانه فعالیت طبق این اساسنامه تأسیس می‌گردد.

همچنین در ماده دوم ذکر شده که اتاق مشترک یک تشکل ملی، غیرانتفاعی، غیردولتی ثبت شده در اتاق ایران با مأموریت توسعه فعالیت اقتصادی با کشور عراق می‌باشد که واجد شخصیت حقوقی مستقل است اما از حیث سیاست‌ها و ضوابط، تابع اتاق ایران می‌باشد.

براساس این دو ماده می‌توان چنین برداشت که قواعد اتاق بازرگانی ایران و عراق جنبه مقررات اداری و نه قوانین مدونه دارد. چراکه در چارچوب قوانین حاضر به‌خصوص قوانین اتاق‌های بازرگانی، این قواعد تهیه و تنظیم گردیده و هدف از آن تنها تسهیل تجارت بین دو کشور است. حذف تشریفات اداری زائد در تجارت بین دو کشور نیز از اهداف این نهاد می‌باشد (قنبری، ۱۳۸۸: ۱).

در ماده پنجم، اهداف و وظایف اتاق مشترک بر شمرده شده و پس از بیان ده بند، در بند یازدهم، انجام سایر اقداماتی که برای نیل به اهداف فوق ضروری است یا به آن‌ها مربوط باشد جزئی از اهداف بر شمرده شده است. در مورد حل اختلاف در هیچ‌یک از بندهای مذکور بحثی بیان نشده، لیکن با بیان بند یازدهم، حل اختلاف که می‌تواند در راستای تسهیل دستیابی به اهداف ده‌گانه مؤثر باشد نیز جزئی از اهداف سازمان محسوب می‌گردد. لذا رسیدگی اداری به جریان حل اختلاف بین تجار دو کشور براساس تفسیر موسع از ماده پنجم بدست می‌آید.

همان‌طور که بیان شد، در اساسنامه مذکور مستقیماً از رویه داوری بحثی نشده و تنها می‌توان حل مسالمت‌آمیز اختلاف بر مبنای اداری را یکی از اهداف سازمان دانست (ارفع‌نیا و ملاابراهیمی، ۱۳۹۷: ۳۰۰). اگر به مقررات اداری اتاق بازرگانی ایران نیز نگاه انداخته شود، ارجاع امورات اداری داوری به نهاد متخصص نیز ذکر شده که بر این اساس می‌توان اتاق مشترک را صالح بر اختلافات بین تجار ایرانی و عراقی دانست (داراب پور و انیسی، ۱۴۰۰: ۱۰۰).

باتوجه به اشعار ماده دوم ا.ا.ع که تبعیت اداری از اتاق بازرگانی ایران را برای اتاق بازرگانی ایران و عراق الزامی دانسته؛ در غیاب تعریف رویه اداری داوری تخصصی، می‌توان به قواعد داوری اتاق بازرگانی ایران توسل جست.

۲-۳- ماهیت داوری در اتاق بازرگانی

مهم‌ترین نکته‌ای که در داوری‌های اتاق بازرگانی ایران و عراق به چشم می‌خورد، اختیاری بودن داوری می‌باشد. بر مبنای عرف حقوقی، اگر جریان داوری در قانون به صورت اجباری ذکر شده باشد، داوری از نوع اجباری بوده و در غیر این صورت داوری جنبه اختیاری دارد. در حال حاضر در اختلافاتی نظیر پیش‌فروش آپارتمان، بنا به قانون ناظر بر آن، داوری حالتی اجباری داشته و اختلاف حتماً می‌بایست از طریق داوری حل و فصل گردد. اما داوری در اتاق بازرگانی در غیاب ذکر نام اجباری در نوع تجاری دعوا، حالتی اختیاری داشته و در صورت عدم تمایل طرفین، سیستم قضایی پذیرای حل این گونه اختلافات است (حاجی میرآقا، ۱۳۹۸: ۶۵).

نکته دیگر آن‌که با توجه به زیرمجموعه بودن اتاق بازرگانی ایران و عراق تحت قواعد اتاق بازرگانی ایران به موجب ماده دوم ا.ا.ع از نظر اداری، قواعد اتاق بازرگانی ایران برای اتاق بازرگانی ایران و عراق الزام‌آور است. اتاق بازرگانی ایران، به تقلید از اتاق بازرگانی بین‌المللی مستقر در پاریس و در چارچوب قوانین مدونه، قواعد اداری حل اختلاف بین تجار را تهیه و تنظیم کرده که در رویه حل اختلاف بین‌المللی بین تجار ایرانی و عراقی می‌تواند بسیار کارا باشد.

همکاری‌های قضائی مناسب بین دو کشور ایران و عراق زمینه شناسایی احکام صادره داوران در کشور متقابل را فراهم داشته که امید است در زمینه همکاری مناسب داوری نیز مؤثر باشد.

۴-۲-۴- اختلافات بین تجار ایران و عراق

همان‌طور که اشاره شد، حجم تجارت بین دو کشور ایران و عراق پس از سقوط حزب بعث عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی قوت گرفت و بسیاری از موانع بین تجارت ایران و عراق برداشته شد. اتاق بازرگانی ایران به صورت نهادی، داوری اختلافات بین تجار دو کشور را عهده‌دار است. اما رضایت طرفین از احکام صادره اندک است. وضعیت رضایت از احکام در منابع تحقیقی وجود نداشته و محقق در ارتباطات خود متوجه رضایت اندک از این احکام گردید. چنین به نظر می‌رسد که داوری نهادی هرچند که در چارچوب رویه قانونی حل اختلاف توسط داور می‌باشد، اما با توجه به سکوت قانون در مورد جزئیات خاص داوری، داوری نهادی در چارچوب رویه اداری به صورت خشک انجام شده و تلاشی برای سازش بین آن‌ها صورت نمی‌گیرد. حتی بسیاری از داوری‌ها به صورت برخط و در مدت زمانی اندک صورت می‌گیرد. در عین حال هزینه‌های داوری در اتاق مذکور به صورت درصدی از مبلغ کل مورد اختلاف بوده و در مواردی که تجار به شراکت می‌پردازند، این چنین روش حل اختلاف به هیچ‌عنوان کارایی لازم را ندارد و موجب زیان آن‌ها می‌گردد. با توجه به اشتراک عنصر شراکت در

بخش قابل توجهی از اختلافات تجاری مذکور و همچنین کنسرسیوم‌های نفتی، این عقیده برای محقق تقویت شد که بتوان با الگوی به کار گرفته شده در مورد شراکت صنعت نفت، اختلافات بین تجار شریک ایرانی و عراقی را به بهترین نحو حل و فصل نمود.

۴-۳- حل اختلاف چند مرحله‌ای

الگوی ارتباط «شدت اختلاف» با «هزینه حل آن»، سادگی و اثر روش حل اختلاف در قراردادهای فیدبک رعایت شده است. الزام به تشکیل جلسات حل اختلاف بدون حضور میانجی، پیش‌بینی شده که همان مذاکره اولیه می‌باشد. سپس هیئت‌های حل اختلاف سعی در سازش بین طرفین اختلاف داشته که رویه میانجی‌گری دارد (مالکی^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۸۰۰). نکته قابل توجه این‌که توافق روش‌های غیرالزام‌آور حل اختلاف به سبب عدم الزامات حقوقی، نمی‌تواند به موجب عدم استقلال طرف حل اختلاف جرح شود. این یک اصل حقوقی است که اهمیت و اعتبار حکم صادره مستلزم بی‌طرفی صادرکننده رأی است. اما میانجی هیچ حکمی صادر نکرده و تنها توافقات طرفین حل اختلاف در پایان، به‌عنوان سند حل اختلاف معرفی می‌گردد. بنابراین اصل استقلال در این حالت مخدوش نشده و اگر اعضای هیئت حل اختلاف همگی ایرانی یا عراقی باشند، موجب جرح توافق نخواهد شد.

اما داوری که دارای حکم الزام‌آور است، می‌بایست دارای اوصاف استقلال باشد که در قراردادهای فیدبک به‌عنوان آخرین راه‌حل اختلاف، تعیین شده است. در این صورت امید به دادرسی بی‌طرفانه، موجب دفاع از حق شده و دیگر پیش‌شرط‌های داوری را بی‌اعتبار نمی‌کند (مولانا^۲، ۲۰۱۸: ۳۵).

در الگوی پیشنهادی، می‌بایست تجار ایرانی و عراقی دارای اختلاف را در مرحله نخست به مذاکره مجبور ساخت. سپس میانجی انتخابی سعی در سازش داشته و در مرحله بعد، داور حکم مقتضی را صادر می‌نماید. مذاکره بدون هزینه بوده و ممکن است اختلاف تجار در این مرحله حل و فصل شود. میانجی‌گری نیز دارای هزینه اندک بوده که احتمال حل اختلاف در این مرحله از مرحله پیشین بیشتر است. سپس در نهایت داوری با هزینه نسبتاً بالا نسبت به صدور حکم اقدام کرده که اعتبار لازم را دارد. این الگو در اتاق بازرگانی ایران و عراق پیشنهاد شده و مزایای آن احتمال حل اختلاف بیشتر، اطلاع داور از جزئیات خاص اختلاف به‌واسطه دو مرحله پیشین، رضایت بیشتر از حکم و در نهایت هزینه کمتر برای حل اختلاف است. در این صورت می‌توان امنیت معامله بین تجار ایرانی و عراقی را بهتر دانست

^۱ Maleki

^۲ Mowlana

که در مجموع به منفعت اقتصادی دو کشور کمک می‌کند.

۴-۴- ماهیت حقوقی

در هر قرارداد یا شرط قراردادی جدیدالظهور، حقوقدانان خصوصاً، به بحث در مورد آن پرداخته و مسئله مشروعیت این قرار را مورد واکاوی قرار می‌دهند. عقود معین به دلیل کثرت کاربرد آن‌ها، دارای بحث‌های متنوع و کاملی بوده و در خلأ حقوقی، عرف و رسوم ایجادشده پرکننده خلأ حقوقی خواهد بود. بنابراین عقود معین از حیث مباحث حقوقی کامل ارزیابی شده و به سهولت می‌توان مشروعیت آن را تشخیص داد. اما عقود غیرمعین ممکن است به دلیل خلأ تفاسیر حقوقی و نبود عرف خاص مرتبط بدان، موجب بروز اختلافات شود. الگوی پیشنهادی دآوری در هیچ‌یک از عقود معین جای نداشته و بنابراین می‌توان آن را نوعی عقد غیرمعین دانست. در وحله اول، به ماده ۱۹۰ ق.م. رجوع کرده تا صحت قرارداد نوظهور بررسی گردد. به موجب این ماده، برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است.

- قصد طرفین و رضای آن‌ها،
- اهلیت طرفین،
- موضوع معین که مورد معامله باشد و
- مشروعیت جهت معامله.

در خصوص دآوری چندمرحله‌ای، اگر طرفین نسبت به این روش رضایت داشته باشند، شرط نخست معامله محقق شده است. اهلیت طرفین نیز مطابق قانون مشخص شده و موضوع معامله نیز معین است. اما در خصوص مشروعیت جهت معامله بحث فراوان است. در واقع اگر مشروعیت اصل روش دآوری چندمرحله‌ای محرز گردد؛ استفاده از آن منعی نخواهد داشت. اگر به ماده ۱۰ ق.م. رجوع شود قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است. قرار دادن شروط برای دآوری، با هیچ‌یک از مفاد حقوقی و حتی شرعی ناسازگاری ندارد. بنابراین اصل اولی چنین شروطی را مغایر با شرع و قانون نمی‌داند. اما از دیدگاه دیگر، هرگونه تعهد نسبت به حقوق شخصیه غیرنافذ بوده و جهت چنین معامله‌ای غیرمشروع دانسته شده است. ماده ۹۵۹ ق.م. در این خصوص بیان می‌دارد که هیچ‌کس نمی‌تواند به‌طور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند. در تفسیر موسع این ماده حقوقی، سلب حقوق شخصیه از جمله حق خریدوفروش، حق ازدواج، حق حیات و ... از حقوق مدنی هر شخص دانسته شده که

هرگونه تعهد نسبت به آن نافذ نیست. برخی حقوقدانان حق واخواهی به موجب اصل ۳۴ ق.ا.ا را حق هر انسانی دانسته و تعهد نسبت به آن را غیرنافذ می‌دانند. حتی برخی بیان داشته که داوری اجباری با اصل ۳۴ ق.ا.ا مغایرت داشته و بنابراین نافذ نیست. اما اکثریت حقوقدانان اعتقاد داشته که سازوکار داوری نیز بخشی از حق دادخواهی و در راستای اجرای بهتر این حق تلقی می‌شود. بنابراین اجبار در داوری را نمی‌توان مغایر با اصل ۳۴ ق.ا.ا دانست؛ بنابراین حق دادخواهی، خواه جزئی از حقوق شخصی محسوب شده یا خیر، بازهم نمی‌توان تعهد نسبت به داوری را غیرنافذ دانست. بنابراین تعهد نسبت به شروط داوری نیز با اصل ۳۴ ق.ا.ا، ماده ۹۵۹ ق.م و ماده ۱۰ ق.م هیچ مغایرتی نداشته و با صحیح دانستن مشروعیت جهت معامله، می‌توان حل اختلاف چندمرحله‌ای را صحیح دانست.

۴-۵- آثار حقوقی

در صورتی که سازوکار الگوی پیشنهادی حل اختلاف در اتاق بازرگانی ایران و عراق اجرایی شود، شدت هر اختلاف با روش مناسب‌تر حل می‌گردد. بدین معنا که اختلافات کوچک با روش ساده‌ای همچون مذاکره و اختلافات بزرگ با داوری حل می‌شود. بنابراین مابین روش و هزینه بکار گرفته‌شده با شدت اختلاف تناسب وجود خواهد داشت. این مهم در قراردادهای مشارکتی اهمیت بیشتری دارد. در حال حاضر سرمایه‌گذاران ایرانی زیادی در عراق به فعالیت پرداخته و برخی تجار عراقی در داخل ایران قراردادهای مشارکتی بسته‌اند. بنابراین معاملات بین تجار همیشه به صورت یک بیع ساده نبوده و گاه جنبه مشارکتی دارد. کارایی الگوی پیشنهادی حل اختلاف می‌تواند در قراردادهای مشارکتی بیشتر مثمرتر واقع شود و به سبب اختلافات ساده، کسب‌وکار مشترک متوقف نشود. هرچند که اثر مثبت این الگوی پیشنهادی بر معاملات بیع غیرقابل انکار است، اما این مزیت بر قراردادهای مشارکتی بیشتر قابل مشاهده است. در خصوص عنصر رضایت پیش‌تر صحبت شد. طبیعتاً ذات و ماهیت نظام قضائی می‌بایست مستقل از رضایت شهروندان بوده و تنها به اصول عدالت‌محور توجه نماید. اما اگر در عین اجرای عدالت مطلوب، رضایت شهروندان بیشتر باشد، به اعتبار هرچه بیشتر نظام قضائی کمک کرده و نشان از عملکرد صحیح مسئولین حکومتی دارد. حقوق‌دانانی که اصل داوری را برای حل اختلاف معرفی کرده‌اند، با قراردادن اختیار صدور حکم لازم‌الاجرا، به جریان حل اختلاف داور رسمیت حقوقی بخشیدند. اگر رضایت از این احکام اندک باشد امنیت معاملات بازهم به خطر می‌افتد. بنابراین اگر بتوان در عین اجرای عدالت رضایت طرفین را به نحوی بهتر جلب کرد، عملکردی صحیح در جهت اجرای اهداف قضائی محسوب می‌گردد. الگوی پیشنهادی با توجه به چند مرحله‌ای بودن و تلاش‌ها برای

سازش، طبیعتاً جنبه‌های بهتری از رضایت را به همراه داشته و موجب کاهش سطح اختلافات کنونی بین تجار ایران و عراق می‌گردد. بنابراین اعتبار این روش حل اختلاف بیشتر خواهد بود.

۴-۶- خلأهای اداری - حقوقی در فرآیند حل اختلاف اتاق بازرگانی ایران و عراق

تا اینجا در خصوص معرفی الگوی پیشنهادی و صحیح بودن این الگو حسب قوانین موضوعه صحبت شد. در صورت توافق اولیه یا ثانویه طرفین اختلاف در خصوص رفع اختلاف به روش مذکور، تعهدات آن بر عهده طرفین بوده و حق عدول از آن را ندارند. اما نکته قابل توجه اینکه مقررات کنونی اتاق بازرگانی ایران و عراق، امکان اجرای این سازوکار را نداده و در عین حال این نهاد اختیار الزامی نمودن این روش حل اختلاف برای تجار را ندارد. بنابراین اجرای صحیح آن مستلزم تغییر در مقررات اداری اتاق بازرگانی می‌باشد. از نظر اداری، اتاق‌های بازرگانی تخصصی مسئول حل اختلاف بین اعضاء بوده که این مهم در اساسنامه آن‌ها بیان شده است. با توجه به تفسیر موسع از ا.ا.ع می‌توان اتاق بازرگانی ایران و عراق را مسئول مستقیم حل اختلاف تجار این حوزه دانست. دادرسی این مهم براساس «آ.د.ا» بوده و از نظر اداری، تعیین‌کننده رویه داورى اتاق بازرگانی می‌باشد. قانون مذکور مشتمل بر ۶۷ ماده و ۸ فصل می‌باشد. از وظایف نهاد مذکور اجرای فرآیند داورى به صورتی بوده که در قوانین موضوعه ذکر گردیده است. الگوی پیشنهادی در حال حاضر در هیچ منبع حقوقی جای نداشته و روشی پیشنهادی و صحیح در صورت توافق اولیه می‌باشد. در این قسمت به مشکلات اداری اتاق بازرگانی ایران و عراق که مانع از اجرای صحیح الگوی پیشنهادی می‌باشد پرداخته شده است.

۴-۶-۱- آغاز داورى و تشریفات اداری آن

به موجب ماده ششم «آ.د.ا» تشریفات اداری آغاز دادرسی با تسلیم درخواست به دبیرخانه آغاز می‌شود. دادخواست داورى باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

- مشخصات کامل طرفین همراه با ذکر نشانی پستی و الکترونیکی و هرگونه اسناد مثبت سمت؛ در صورتی که دعوی به نمایندگی یا وکالت طرح شده باشد.
- توضیح درباره ماهیت معامله یا قرارداد یا وقایعی که موجب بروز اختلاف شده و بیان منشأ ادعا و دلایل آن.
- تعیین خواسته دعوی و مبلغ آن، مگر آنکه خواسته غیرمالی باشد. توضیح درباره موافقت‌نامه داورى.
- در صورت امکان، اظهارنظر در مورد تعداد داوران و چگونگی انتخاب آنان با توجه به

موافقت‌نامه داوری و نیز در صورت ضرورت، معرفی «داور» خود در داوری سه‌نفری.
 - در صورتی که داوری بین‌المللی باشد، اظهارنظر در خصوص محل داوری، زبان داوری و قانون و قواعد حقوقی قابل اعمال.

باتوجه به همسایه بودن دو کشور ایران و عراق و همچنین مبادلات گسترده بین تجار این دو کشور، ابلاغ وضعیت می‌تواند به سهولت صورت پذیرد. در این باره همکاری و هماهنگی اتاق مشترک با هم‌تایان عراقی و همچنین نمایندگان دیپلماتیک ضرورت داشته تا مراحل بدوی داوری اداری به سهولت صورت پذیرد.

تشریفات اداری تعیین‌شده، به معنای اجرای داوری به صورت مستقیم است. ضمن آنکه این داوری نیز اجباری نبوده و با اراده طرفین اختلاف، محقق می‌شود. همان‌طور که بیان شد، قانون‌گذار برای برخی اختلافات خاص همچون پیش‌فروش آپارتمان، بورس و نکاح؛ به موجب قانون داوری اجباری تعیین کرده و تحت این شرایط اراده طرفین در انتخاب رویه داوری اثری ندارد. اما اختلافات تجاری به‌طور کلی تنها با اراده طرفین به داوری ارجاع داده می‌شود. اگر داوری نهادی برای این مهم انتخاب شود، تشریفات آن تابع مقررات اداری بوده و بنابراین اختیارات داور محدود است. تجار تنها در صورت توافق در خصوص حل اختلاف چند مرحله و در خارج از اتاق بازرگانی ایران و عراق می‌توانند الگوی پیشنهادی را پیاده‌سازی نمایند. بنابراین نیاز است که در تشریفات اداری داوری اتاق بازرگانی، تجدیدنظر صورت پذیرد.

۴-۶-۲- داوری با عنصر بین‌المللی

به موجب ماده ۱۴ «آ.د.» در داوری‌های بین‌المللی «داور» منفرد یا سرداور نباید با اصحاب دعوی هم تابعیت باشد، مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند. در ماده ۱۵ نیز ذکر شده است که در صورتی که داوری بیش از دو طرف داشته باشد و طرف‌ها در مورد تعیین «داور» به نحو دیگری توافق نکرده باشند، به ترتیب زیر عمل خواهد شد:

۱- برای خواهان واحد، یک «داور» و در صورت تعدد خواهان‌ها، مشترکات یک «داور» تعیین خواهد شد. «داور» خواننده یا خوانندگان متعدد نیز به همین روش تعیین می‌شود.

۲- چنانچه خواهان‌ها یا خوانندگان متعدد ظرف مهلت مقرر، در مورد تعیین «داور» مشترک به توافق نرسند، مرکز داوری، «داور» اختصاصی هر یک از طرفین متعدد (خواهان‌ها یا خوانندگان) را انتخاب و تعیین خواهد کرد.

۳- در داورهای چندجانبه، انتخاب سرداور بر عهده داوران اختصاصی طرفین است و در صورتی که ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخی که مرکز داوری تعیین می‌کند به توافق نرسند، سرداور توسط مرکز داوری تعیین می‌گردد.

۴- هرگاه در داورهای چندجانبه، در مورد خواهان یا خوانده بودن یک یا چند طرف داوری اختلاف باشد، هیئت داوری مرکب از سه نفر به انتخاب مرکز داوری خواهد بود و مرکز داوری با توجه به مفاد موافقت‌نامه داوری در مورد شرایط «داور» و نیز با توجه به موضوع دعوی، هیئت داوری انتخاب و تعیین می‌کند.

سایر امور مربوط به داورهای چندجانبه از جمله تعویض «داور» یا جرح داور، تابع مقرراتی است که برای داورهای دوجانبه مقرر شده است.

در اینجا نیز مقررات اداری اتاق بازرگانی ایران و عراق تنها اجازه مراجعه مستقیم به داور آن‌هم با اراده خود را داده و جریان حل اختلاف چندمرحله‌ای حتی با توافق طرفین در این نهاد امکان‌پذیر نیست. البته با وجود امکان میانجی‌گری که به‌تازگی به مقررات اداری اتاق بازرگانی وارد شده است، می‌توان حل اختلاف را به‌صورت دومرحله‌ای میانجی‌گری و داوری انجام داد، اما بازهم این رویه کامل نبوده و نیاز است که حل اختلاف حداقل از سه جزء روش تشکیل شود.

۴-۶-۳- قانون حاکم بر داوری

در هر دو قانون اتاق‌های بازرگانی بین‌المللی و ایران، به قانون ماهوی حاکم اشاره شده است و اصحاب دعوا می‌توانند قانون حاکم را به داوران الزام کنند. برای مثال اگر تاجری از کشور ایرلند با تاجری از کشور عراق دچار اختلاف شدند، می‌تواند قانون حاکم کشور انگلستان را برای دعوا بپذیرند و این مسئله در هر دو قانون (اتاق بازرگانی ایران و بین‌الملل) اشاره شده است. حقوقدانان به این مسئله ایراد گرفته‌اند، چراکه داوران عموماً از نظر حقوقی دارای تخصص کافی نبوده و در مورد مسئله فنی دعوا تخصص دارند و عموماً براساس عرف حاکم، به اظهار نظر می‌پردازند. لذا بررسی قانون ملی یک کشور برای افراد غیرمتخصص عملاً غیرممکن است، مگر آنکه مصادیق آن صراحتاً در موافقت‌نامه ذکر شده و به داوران گوشزد گردد (نعمتیان، ۱۳۹۶: ۱۵). از جمله عادت در صدور رأی بر پایه یک رویه خاص قطعاً قابلیت تغییر چندانی ندارد. لذا حقوقدانان به این ماده قانون ایراد گرفته‌اند و اجرای آن را تقریباً غیرممکن دانسته و لذا بازهم می‌توان تفاوت قانون حاکم در جریان داوری در اتاق بازرگانی را به حقوق عرفی و حقوق نوشته مرتبط دانست، مگر آنکه داور با پیش‌زمینه قبلی از قانون یک کشور خاص و همچنین

یادآوری مصادیقی همچون اعتبار برخی نوشته‌ها مطابق قانون به داوری بپردازد. بنابراین در وضعیت کنونی منبع در دسترس داور تنها منابع حقوقی است. در اختلافات تجاری مفاد قرارداد نقش مهمی در جریان حل آن دارد. ممکن است در جریان میانجی‌گری و یا کارشناسی، رویه خاصی برای حل اختلاف تعیین شود. اما مقررات اداری کنونی اتاق، تنها اجازه استفاده از منابع حقوقی مدون را می‌دهد. برای اجرای صحیح الگوی پیشنهادی، پیشنهاد می‌شود که داور ملزم به استفاده از اطلاعات مکاتبه از جریان مذاکره و میانجی‌گری شده و درعین حال رویه موردتوافق حل اختلاف، حتی با فرض خارج بودن از منابع حقوقی و درعین حال حکومت اصول حقوقی بر آن را به‌عنوان منبع حل اختلاف بپذیرد.

۴-۷- کارایی الگوی جدید حل اختلاف

تا اینجا چنین مشخص شد که اتاق بازرگانی ایران و عراق بر مبنای مقررات اداری داوری که در مرکز اتاق داوری بازرگانی ایران تعیین شده، می‌تواند نسبت به حل اختلاف بین تجار ایرانی و عراقی گام بردارد. بنابراین باهدف به‌کارگیری الگوی پیشنهادی حل اختلاف، نیاز است که مقررات اداری این نهاد اصلاح شود و درعین حال برای اجباری شدن این سازوکار نیاز به تغییر برخی قوانین موضوعه می‌باشد. طبیعتاً هر سازوکار جدید دارای معایب و مزایایی بوده و بدون عیب و ایراد نخواهد بود. در حال حاضر عدم شناخت حقوقی دقیق در مورد این سازوکار و فقر عرف حقوقی مرتبط، از چالش‌های این الگوی پیشنهادی تلقی می‌شود که امید است در اثر تعدد استفاده از آن و شکل‌گیری عرف حقوقی به‌مرورزمان، این خلأ پر شود. ذیلماً به بررسی مزایای استفاده از این روش پرداخته شده است.

۴-۷-۱- امکان حل اختلاف در زمان کوتاه

می‌توان چنین بیان داشت که اگر بتوان اختلافات نسبتاً ساده را در مرحله پیش از داوری حل نمود، زمان حل اختلاف کوتاه‌تر می‌شود. همچنین اگر داور از خلال اطلاعات به‌دست‌آمده در مراحل قبلی نسبت به دادرسی اقدام کند، مدت‌زمان حل اختلاف کوتاه‌تر است. اما اگر اختلافات به مرحله داوری رسیده و در خلأ قانونی کنونی، داور بدون توجه به گزارشات مرحله پیشین اقدام به صدور رأی کند، این مدت‌زمان نسبت به داوری تک‌مرحله‌ای بیشتر بوده و جزء ضعف این روش حل اختلاف محسوب می‌گردد.

باهدف به‌کارگیری از مزایای این روش حل اختلاف، نیاز است که مقررات اداری نهادها اصلاح شوند و درعین حال برای اجباری شدن این سازوکار نیاز به تغییر برخی قوانین موضوعه می‌باشد. در حال حاضر عدم شناخت حقوقی دقیق در مورد این سازوکار و فقر عرف حقوقی مرتبط، از چالش‌های

این الگوی پیشنهادی تلقی می‌شود که امید است در اثر تعدد استفاده از آن و شکل‌گیری عرف حقوقی به‌مرورزمان، این خلأ پر شود. بنابراین استفاده از این سازوکار در حال حاضر مستلزم داشتن توافق و خارج از داوری اداری بوده که همین مسئله موجب پررنگ شده آثار منفی فقر عرف حقوقی می‌شود و درنهایت به اطلاع زمان حل اختلاف منتهی می‌گردد.

اگر در آینده قوانین مدون یا مقررات اداری برای اجرای سازوکار پیشنهادی مصوب گردد، طبیعتاً با تشریح جزئیات اجرای این روش می‌توان نسبت به کاهش زمان دادرسی اطمینان یافت، به‌خصوص آنکه مابین داوری در این روش و داوری تک‌مرحله‌ای تفاوت ایجاد شود. بهترین تفاوت مؤثر در این خصوص می‌تواند به لزوم استفاده داور از خلال اطلاعات مراحل پیشین خلاصه شود.

در کسب‌وکارهای تجاری شراکتی، بروز اختلاف به معنای خلأ مدیریتی بوده و اداره آن کسب، تا اطلاع ثانوی با مشکل مواجه خواهد شد. در خصوص معاملات نیز با بروز اختلاف، اجرای بیع با مانع مواجه شده و درعین حال تمدید قراردادهای بعدی موقتاً متوقف می‌شود. اگر اختلاف به داوری و یا نظام قضائی ارجاع داده شود، تا مدت‌زمانی که رأی صادره به اجرا درآید، فعالیت تجاری متوقف شده که به زیان هر دو طرف تلقی می‌شود، درعین حال آثار منفی عمومی این توقف شامل از دست رفتن فرصت‌های شغلی و عدم تأمین به‌موقع کالاهاست. در الگوی پیشنهادی، روش‌های کم‌هزینه‌تر که نیاز کمتری به زمان دارد پیش‌شرط داوری هستند. بنابراین احتمال حل اختلاف در مدت‌زمان کوتاه بیشتر بوده و بنابراین مدت‌زمان توقف کسب‌وکار نیز کمتر است. در واقع تجار با بروز هر اختلاف کوچک به داوری مراجعه نکرده و در ابتدا سعی در مذاکره، میانجی‌گری و کارشناسی داشته که طبیعتاً زمان کمتری به نسبت داوری نیاز دارد. بنابراین اثر مثبت استفاده از این روش حل اختلاف، مدت‌زمان کمتر توقف فعالیت تجاری بوده که این مهم در قراردادهای مشارکتی نمود بیشتری دارد.

یکی از نگرانی‌هایی که ممکن است از تمایل به استفاده از این روش، بکاهد این است که مبادرت به این روش‌ها موجب اتلاف زمان شده و باعث شود حق طرح دعوی مشمول مرور زمان شده و زایل گردد. برای رفع این نگرانی، در قانون نمونه اصلاح‌گری آنسیترال موضوع توقف مرور زمان در صورت مبادرت به اصلاح‌گری به‌صورت حاشیه پیش‌بینی شده است تا کشورهایی که نگران این موضوع هستند و تمایل دارند، آن را در قانونی که وضع می‌نمایند درج کنند. علاوه بر اصول فوق، اصل عدم محرومیت از حق رجوع به داوری یا دادگاه در طول فرآیند اصلاح‌گری و ممنوعیت تعیین اصلاح‌گر به‌عنوان داور نیز در قانون نمونه اصلاح‌گری آنسیترال مورد اشاره قرار گرفته است.

۴-۷-۲- اعتبار در اجرا

منظور از اعتبار، دو عنصر «اعتبار قانونی» و «اعتبار اجتماعی» می‌باشد. اعتبار قانونی همان‌طور که از نام آن پیداست به‌واسطه وضع قانون اعتبار خود را می‌یابد. اعتبار رأی داور به‌موجب ماده ۲۸ ق.ا.ا، اعتبار حقوقی یافته که طبیعتاً بر اعتبار این آئین حل اختلاف اثرگذار است. اگر قانون‌گذار اجرای احکام داور را به‌موجب ماده مذکور الزامی نمی‌نمود، یا به کنوانسیون نیویورک مصوب ۱۹۵۸ نپیوسته بود، اکنون آئین داوری به‌مانند دیگر روش‌های حل اختلاف همچون میانجی‌گری محسوب می‌شد. الگوی پیشنهادی حل اختلاف باتوجه به دربرداشتن آئین داوری، جنبه‌ای از اعتبار اجرایی را دارد، اما باتوجه به خلأ حقوقی در خصوص پیش شرط‌های داوری و عدم الزام خاصی نسبت به آن به جز حالت قراردادی از نظر اعتبار قانونی دارای مشکلاتی می‌باشد.

جنبه دیگر از اعتبار با نام «اعتبار اجتماعی»، در بردارنده عنصر رضایت طرفین از حکم صادره است. طبیعتاً ذات و ماهیت نظام قضائی می‌بایست مستقل از رضایت شهروندان بوده و تنها به اصول عدالت‌محور توجه نماید. اما اگر در عین اجرای عدالت مطلوب، رضایت شهروندان بیشتر باشد، به اعتبار هرچه بیشتر نظام قضائی کمک کرده و نشان از عملکرد صحیح مسئولین حکومتی دارد. حقوق-دانانی که اصل داوری را برای حل اختلاف معرفی کرده‌اند، با قراردادن اختیار صدور حکم لازم‌الاجرا، به جریان حل اختلاف داور رسمیت حقوقی بخشیدند. اگر رضایت از این احکام اندک باشد امنیت معاملات بازم به خطر می‌افتد. بنابراین اگر بتوان در عین اجرای عدالت رضایت طرفین را به نحوی بهتر جلب کرد، عملکردی صحیح در جهت اجرای اهداف قضائی محسوب می‌گردد.

الگوی پیشنهادی باتوجه به چند مرحله‌ای بودن و تلاش‌ها برای سازش، طبیعتاً جنبه‌های بهتری از رضایت را به همراه داشته و موجب کاهش سطح اختلافات می‌گردد. بنابراین اعتبار این روش حل اختلاف بیشتر خواهد بود. این الگو از این جهت در صنایع نفت و گاز به کار گرفته شد که حل اختلافات در این پروژه‌ها باید به نحوی باشد که استمرار اجرای آن‌ها و کسب اهداف و منافع موردنظر برای طرفین را ممکن نماید. در این‌گونه پروژه‌ها سیستم حل اختلاف باید به نحوی باشد که به‌موازات بروز تدریجی اختلافات، ضمن حل سریع و کم‌هزینه این اختلافات، فضای همکاری و روابط تجاری فی-مابین را تخریب نکند. طبیعتاً طرفین زمانی توسل به داوری یا دادگاه را مدنظر قرار می‌دهند که رابطه قراردادی و تجاری آن‌ها به نقطه بی‌بازگشتی رسیده و چشم‌انداز ادامه قرارداد و رابطه تجاری بسیار نامحتمل به نظر برسد؛ چراکه روش‌های مذکور روش‌هایی غیردوستانه تلقی شده و درهرحال رابطه و

حس همکاری و اعتماد طرفین را تخریب می‌نمایند و می‌توانند نقطه پایانی بر همکاری‌های تجاری طرفین بگذارند. واضح است که به دلایل ذکر شده رسیدگی‌های دادگاهی و داوری نمی‌توانند مناسب‌ترین گزینه برای حل و فصل اختلافات در عین حفظ روابط و منافع تجاری منافع فیه در صنعت نفت باشند. در مقابل، روش‌های حل اختلاف میانجی‌گری و اصلاح‌گری به دلیل سریع و کم‌هزینه بودن، دوستانه بودن و حفظ رابطه طرفین و به‌ویژه حل اختلاف به روش «برد-برد» جایگزین بهتری برای روش‌های قضایی دادگاه و داوری بوده و گزینه بهتری برای صنعت نفت می‌باشند.

۴-۷-۳- در نظام حقوقی ایران

قانون‌گذار می‌تواند مشروعیت حل اختلاف چندمرحله‌ای را به‌صراحت در قانون اعلام کند، اما در خصوص اجباری نمودن آن بحث فراوان است. برخی باتوجه به ادله اجباری شدن داوری در برخی صنایع، اجباری شدن آن را از نظر حقوقی صحیح می‌دانند. برخی دیگر باتوجه به وسعت صنایع و متناسب بودن هر روش حل اختلاف با آن، معتقدند که اختیارات اجباری نمودن هر روش حل اختلاف می‌بایست به متولیان امر سپرده شود. چنین به نظر می‌رسد که متولیان هر صنعت به نحوی بهتر می‌توانند مسئله اجباری شدن روش حل اختلاف را در آن بررسی نمایند.

اگر اختلافات در مرحله پیش از داوری حل شود، عنصر رضایت در آن نقش اصلی را داشته و بنابراین نارضایتی از حل اختلاف به حداقل می‌رسد. در صورت ارجاع پرونده به داوری، داور اطلاعات دقیق‌تری از وضعیت اختلاف داشته و به نحوی بهتر قادر به اجرای عدالت‌محورانه حل اختلاف است. بنابراین میزان رضایت از این روش حل اختلاف طبیعتاً بهتر از داوری مستقیم می‌باشد. اصول حل اختلاف می‌بایست کاملاً مستقل از رضایت طرفین بوده و تنها معیار عدالت مدنظر قرار گیرد، اما در صورت کسب رضایت بهتر طرفین، اعتبار سازوکار انجام‌شده بیشتر خواهد بود. بنابراین با اجباری شدن الگوی پیشنهادی حل اختلاف، می‌توان اعتبار اجتماعی این روش حل اختلاف را تقویت نمود.

۴-۷-۴ در سطح بین‌الملل

در سطح بین‌الملل قواعدی برای داوری اجباری وجود ندارد مگر به ابتکار متولیان تجارت. طبیعتاً داوری عمدتاً در امور تجاری کاربرد داشته و کاربرد آن در امورات غیر تجاری اندک است. بنابراین در سطح بین‌الملل «سازمان تجارت جهانی» و «اتاق بازرگانی بین‌المللی»، متولیان حل اختلاف در سطح بین‌الملل محسوب می‌گردند.

یکی از نوآوری‌هایی که هنگام تجدیدنظر در قواعد داوری اتاق در سال ۱۹۹۸ انجام شده، این

است که رأی داوری قابل اصلاح و تفسیر است و هم مرجع داوری و هم هریک از طرفین می‌توانند ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی تقاضا کنند که اشتباهات نگارشی با محاسباتی که احیاناً در رأی وجود دارد اصلاح شود یا اگر قسمت‌هایی از آن مبهم است، تقاضای تفسیر رأی را بکنند (ماده ۲۹ قواعد). درخواست اصلاح یا تفسیر رأی باید به طرف مقابل ابلاغ و فرصتی که به هر حال بیش از ۳۰ روز نخواهد بود به او داده شود که اظهار نظر نماید و سپس مرجع داوری به تقاضای مذکور رسیدگی می‌نماید. رأی اصلاحی با تفسیری مرجع داوری باید ظرف ۳۰ روز صادر شود و جزء رأی اصلی محسوب می‌شود و همان تشریفات مربوط به صدور رأی اصلی مانند بررسی توسط دیوان و ابلاغ از طریق دبیرخانه در مورد رأی اصلاحی و تفسیری نیز اجرا می‌شود (ماده ۲۹ (۳) قواعد).

۴-۸- کاهش هزینه

فرآیند داوری مستلزم پرداخت هزینه است. طبیعتاً داور بدون دریافت دستمزد مایل به اجرای داوری نبوده و این رویه حل اختلاف نوعی کسب و کار محسوب می‌گردد. البته مواردی مشاهده شده که داوران تنها به موجب اصول کدخدامنشی سعی در سازش داشته و در قبال آن هزینه‌ای دریافت نمی‌کنند. این هزینه‌ها در صورت نهادی بودن داوری بیشتر خواهد بود، چراکه عقیده عمومی، اداری بودن داوری را به معنای اعتبار بیشتر آن دانسته و درعین حال سازمان نیز خواهان دریافت درصدی از هزینه داوری می‌باشد. در بیشتر کشورهای جهان طرح دعوی در محاکم و تشریفات دادرسی قضایی معمولاً برای هر دو طرف دعوی پرهزینه است. اما در روش‌های جایگزین برحسب نوع روش انتخابی طرفین اختلاف، هزینه‌ها متفاوت بوده و معمولاً در مقایسه با دادگاه‌ها بسیار کم‌هزینه‌تر است. البته هزینه حل اختلاف تنها به پرداخت حق‌الزحمه داور و یا هزینه دادرسی محدود نمی‌شود، بلکه به هزینه‌های فرسایشی شدن حل اختلاف نیز اشاره دارد. مدت‌زمان اندک حل اختلاف توسط داور، به معنای حذف برخی هزینه‌های اضافه بوده که به صورت مستقیم قابل رؤیت نیست.

در مواردی که داور از اجرای فرآیند انصراف می‌دهد، داور جایگزین در صورت رد داور، می‌بایست با توافق طرفین و با توجه به صلاحیت خاص، تعیین شده و قادر به جلب رضایت طرفین دعوا باشند. لذا با توجه به موارد مذکور، در ابتدای تعیین داور می‌بایست به شرایط آن توجه نمود. در این حالت هزینه و زمان کمتری صرف شده و قدرت تعیین داور به خوبی نشان داده می‌شود. لذا در این حالت قدرت تعیین داور به نحوه داور صالح خلاصه شده و قابلیت‌های مشخص آن مورد بحث است. اگر اختلاف در نهایت به روش داوری حل و فصل شد باز هم دو گزینه متصور است. اگر داور از

خلال اطلاعات به دست آمده در مراحل پیشین رأی مقتضی را صادر کرده باشد، حل اختلاف در مدت زمانی کوتاه و عادلانه تر انجام شده که در مجموع موجب کاهش هزینه حل اختلاف می گردد. اما اگر داور به مانند رویه خشک داوری نسبت به حل اختلاف اقدام کند، زمان صرف شده برای حل اختلاف بیشتر بوده که در کل به زیان مجموعه کسب و کار خواهد بود.

۹-۴- اجرای بهتر عدالت

در هر روش حل اختلاف، مجری آن روش می بایست اجرای عدالت را دغدغه خود قرار دهد. هر چند که حسب مفاد قانونی، داور پس از استماع سخنان طرفین مستقیماً نسبت به صدور رأی اقدام می نماید، اما به موجب عرف، وی می تواند در ابتدا نسبت به سازش اقدام کرده و طرفین را از آثار صدور رأی مطلع نماید. بدین ترتیب رضایت بهتر از رأی ممکن است. چنانچه بیان شد، در عدالت قانونی، رضایت طرفین از رأی جایگاهی ندارد، اما در عدالت اجتماعی، رضایت نسبت به رویه حل اختلاف موجب تقویت اعتبار آن می گردد. بنابراین چند مرحله ای بودن حل اختلاف می تواند جنبه های بهتری از عدالت را معرفی نماید.

بخش مهمی از دعاوی بین تجار به غرامت اختصاص داشته که معمولاً نارضایتی از نحوه جبران آن اندک است. در دعاوی نفتی، مرجع رسیدگی پس از احراز مسئولیت طرف دولتی، مبادرت به تعیین غرامت قابل پرداخت نموده است و در این کار موازین و ضوابطی را به کار گرفته که اینک می تواند به عنوان رویه داوری بین المللی، راه حل پیشنهادی را در پیش بینی موارد مشابه هموار سازد. مع ذلک ذکر دو نکته لازم است. اول اینکه رویه های مورد بحث در دعاوی گوناگون که هر کدام مشخصات خاص خود را دارند، به وجود آمده و در طول زمان متحول گردیده است، لذا نباید آن ها را با اصول و موازین حقوقی ثابت، یکسان دانست. دوم آنکه برخلاف دعاوی داخلی که دادگاه ها معمولاً مأخوذ به رویه قضایی (به ویژه تصمیمات دیوان کشور) می باشند. در دعاوی بین المللی، قاعده تبعیت از تصمیمات قبلی وجود ندارد، هر چند مراجع داوری بین المللی، نسبت به تصمیمات و آرای داوری که قبلاً در موارد مشابه صادر شده است، بی اعتنا نیستند. بنابراین، با اینکه آرای داوری در دعاوی نفتی به مانند قانون، لازم الرعایه نیست، اما در عمل، در کنار سایر منابع حقوقی، در دعاوی مشابه نقش هدایت کننده و بعضاً تعیین کننده دارند.

ماحصل بحث اینکه در دعاوی مرتبط با خسارت، داور نقش خطیری در تأمین رضایت طرفین برعهده دارد. اگر بتوان به موجب قانون، مجریان پیش شرط های داوری را همان داور قرار داد، وی سعی

و تلاش خود را برای سازش به عمل آورده و در نهایت اگر اختلاف با صدور رأی داور خاتمه یابد، رضایت از آن بهتر خواهد بود. با توجه به استفاده نسبتاً اندک از این روش حل اختلاف، این جنبه‌ها هنوز ناشناخته مانده و بنابراین نیاز است به صورت عرف حقوقی تقویت شود. نهادهای مسئول داوری می‌توانند در رویه خود الزام به یکسان بودن مجریان مراحل حل اختلاف را عنوان دارند.

۱-۹-۴- حذف تشریفات زائد

یکی از مشکلات چندمرحله‌ای شدن حل اختلاف می‌تواند وجود تشریفات زائد باشد. اگر به این نقطه ضعف توجه ویژه شود در عین حال می‌تواند جزئی از نقاط قوت تلقی شود. اگر بتوان با حذف تشریفات زائد مانع از اطاله جریان حل اختلاف شد، این رویه حل اختلاف دارای مزیت حل عادلانه خواهد بود. همان‌طور که اشاره شد، اگر جریان حل اختلاف حاوی عنصر جبران خسارت باشد، به سبب تشریفات خاص این مهم، خواه/ناخواه تشریفات بررسی آن طولانی شده و موجب اثر منفی بر جریان حل اختلاف خواهد شد. در مواردی که اختلاف به جبران خسارت مرتبط است، می‌بایست تشریفات بررسی آن در مراحل پیش از داوری به حداقل برسد. اما چنین به نظر می‌رسد که در حل اختلاف چندمرحله‌ای با عنصر جبران خسارت، تشریفات دادرسی آن بسیار پیچیده‌تر از داور تک‌مرحله‌ای بوده که با رویه اداری می‌توان این تشریفات را به حداقل کاهش داد. در این صورت می‌توان حذف تشریفات زائد را مزیتی برای این رویه حل اختلاف دانست. اما در مواردی که عنصر جبران خسارت در اختلاف وجود نداشته باشد، به نظر می‌رسد که تشریفات رسیدگی به حل اختلاف به‌مانند داوری تک‌مرحله‌ای بوده و در عین حال با قابلیت فاکتور گرفتن، می‌توان تشریفات زائد را حذف نمود.

مرور زمان نیز بخشی از تشریفات دادرسی محسوب می‌شود، چراکه فاصله زمانی موجود بین جریان حل اختلاف با زمان بروز اختلاف بر جریان بررسی به‌خصوص تحقیقات اثری مهم داشته و در این فاصله زمانی ممکن است اتفاقات متعددی رخ دهد. پس از مدت زمانی مشخص از زمان بروز اختلاف، حل اختلاف معنایی نخواهد داشت. برای مثال بیان شود که اگر اختلافات به امور مالی مرتبط باشد و بانک از صدور صورت حساب در فاصله زمانی بیش از شش ماه خودداری کند، عملاً حل اختلاف بی‌معنا خواهد بود.

۲-۹-۴- کسب اطلاعات لازم تا مرحله داوری

اطلاعات داور در خصوص حل اختلاف، زمانی اهمیت بیشتری بیابد که طرفین اختلاف در صدد انکار اظهارات یکدیگر برآیند. در این صورت ممکن است داور با اطلاعاتی اشتباه رأی اشتباه صادر کند

که از عدالت به دور باشد. اگر داور در جریان مذاکرات، میانجی‌گری، کارشناسی و ... حضور داشته باشد، به نحوی بهتر نسبت به اطلاعات اختلاف دسترسی دارد. البته در قواعد اتاق بازرگانی بین‌الملل و همچنین ایران، استفاده داور از کارشناس پیش‌بینی‌شده و داور می‌تواند برای کسب اطلاعات بیشتر به گزارشات کارشناسی تکیه کند. در روش پیشنهادی حل اختلاف، داور به دو طریق به اطلاعات اصلی اختلاف دسترسی دارد. ممکن است داور خود مجری روش‌های حل اختلاف پیش از داوری بوده و یا به گزارشات این روش‌ها دسترسی پیدا کند. در این صورت می‌توان داور را کاملاً مطلع نسبت به امور دانست و حکم مقتضی عادلانه بدین‌صورت صادر خواهد شد. در الگوی حل اختلاف فیدبک به این مهم اشاره‌ای نشده و به نظر می‌رسد که جنبه‌های اهمیت آن بر حقوق‌دانان پوشیده مانده است. در حال حاضر به جز الگوی فیدبک، این رویه حل اختلاف درجایی دیگر کارایی نداشته و در این خصوص نظراتی مطرح نشده است. اما توجه اتاق بازرگانی ایران به میانجی‌گری را می‌توان نخستین گام در این خصوص دانست. اگر اتاق بازرگانی که به‌تازگی روش میانجی‌گری را در رویه اداری خود قرار داده است، از داوران جهت میانجی‌گری استفاده کرده و همان داور را ملزم به داوری پس از میانجی‌گری بداند، این مهم حسب اختیارات اتاق، کاملاً قانونی تلقی می‌شود. به نظر می‌رسد که نیازی به تغییر یا اصلاح قوانین موضوعه برای این مهم نبوده و داوری‌های نهادی حسب اختیارات اجرایی خود می‌توانند نسبت به این مهم گام بردارند. به‌رحال اطلاعات دقیق داور در جریان داوری از مزیت‌های داوری محسوب شده که به سمت عادلانه بودن رأی حرکت می‌کند.

۴-۱۰- عدم توقف همکاری

در کسب‌وکارهای تجاری شراکتی، بروز اختلاف به معنای خلأ مدیریتی بوده و اداره آن کسب، تا اطلاع ثانوی با مشکل مواجه خواهد شد. در خصوص معاملات نیز با بروز اختلاف، اجرای بیع با مانع مواجه شده و درعین‌حال تمدید قراردادهای بعدی موقتاً متوقف می‌شود. اگر اختلاف به داوری و یا نظام قضائی ارجاع داده شود، تا مدت‌زمانی که رأی صادره به اجرا درآید، فعالیت تجاری متوقف شده که به زیان هر دو طرف تلقی می‌شود، درعین‌حال آثار منفی عمومی این توقف شامل از دست رفتن فرصت‌های شغلی و عدم تأمین به‌موقع کالاهاست. در الگوی پیشنهادی، روش‌های کم‌هزینه‌تر که نیاز کمتری به زمان دارد پیش‌شرط داوری هستند. بنابراین احتمال حل اختلاف در مدت‌زمان کوتاه بیشتر بوده و بنابراین مدت زمان توقف کسب‌وکار نیز کمتر است. در واقع تجار با بروز هر اختلاف کوچک به داوری مراجعه نکرده و در ابتدا سعی در مذاکره، میانجی‌گری و کارشناسی داشته که طبیعتاً زمان کمتری

به نسبت داوری نیاز دارد. بنابراین اثر مثبت استفاده از این روش حل اختلاف، مدت زمان کمتر توقف فعالیت تجاری بوده که این مهم در قراردادهای مشارکتی نمود بیشتری دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سازوکار پیشنهادی حل اختلاف که دو یا سه روش غیرالزام آور را پیش شرط داوری قرار داده و حل اختلاف را به صورت مرحله‌ای از مذاکره تا داوری قرار می‌دهد. الگوی پیشنهادی حل اختلاف بین تجار ایرانی و عراقی بوده که در صورت اجرای صحیح می‌توان شاهد رضایت بهتر از حکم، هزینه و زمان صرف شده کمتر و امنیت معاملات بین تجار دو کشور بود. در حال حاضر مقررات اداری و برخی قوانین موضوعه اجازه اجرای این سازوکار را به اتاق بازرگانی نداده که پیشنهادات ذیل در این خصوص ارائه شده است.

پیشنهاد می‌شود که با اضافه کردن مقرراتی جدید حاکم بر اتاق بازرگانی ایران و عراق، وضعیت حل اختلاف چندمرحله رسمیت پیدا کند.

پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار با وضع برخی قوانین کلی، سازوکار حل اختلاف مذکور و یا حداقل داوری را بین تجار اجباری کند، چراکه چنین اجباری در اختیارات اتاق بازرگانی نمی‌باشد. البته در صورت اجباری شدن داوری برای اختلافات بین تجار ایران و عراق، اتاق بازرگانی می‌تواند از اختیارات خود برای قرار دادن شروط داوری استفاده کرده که آنگاه الگوی پیشنهادی در اتاق بازرگانی قابل اجراست. امید است که با اجرای الگوی پیشنهادی ضمن کاهش سطح اختلاف بین تجار ایرانی و عراقی، با افزایش امنیت معاملات شاهد رشد گسترده تجارت بین دو کشور بوده که در کل اثرات مثبتی بر اقتصاد دو کشور خواهد داشت.

منابع

- ارفع‌نیا، بهشید؛ ملابراهیمی، عماد (۱۳۹۷). «حل مسالمت‌آمیز و شرایط جایگزین؛ روش‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای نوین بالادستی صنعت نفت و گاز با تأکید بر قرارداد IPC». مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۲۹۳-۳۲۰.
- اساسنامه اتاق بازرگانی ایران و عراق.
- آیین‌نامه نحوه ارائه خدمات مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران در اختلافات تجاری داخلی و بین‌المللی، مصوب ۱۳۸۶/۰۸/۲۸.
- حاجی میرآقا، بهشته (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی قواعد دادرسی دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی و مرکز داوری اتاق ایران در خصوص آئین دادرسی و صدور رأی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک، کارشناسی ارشد.
- داراب پور، مهرباب؛ انیسی، الهام (۱۴۰۰). «اجرائی شدن آرای هیئت حل اختلاف فیدیک، نقطه عطفی برای کارآمدی اقتصادی پروژه‌ها و عدم توقف آن‌ها (با رویه سازی از رأی دادگاه سنگاپور در پرونده پرسرو)»، دوره ۳۸، شماره ۱، صص ۹۷-۱۲۲.
- دهقانان، حامد؛ آشفته، ایمان (۱۳۹۴). «بررسی تفاوت‌های موجود در سبک مذاکره تجاری مدیران ایرانی و کره‌ای»، مجله مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۷۹۵-۸۱۰.
- رفیعی، منیژه (۱۳۹۷). آثار موافقت‌نامه‌های داوری بین‌المللی در دعاوی حقوقی، تهران: میزان، جلد اول، چاپ اول.
- سربازیان، مجید؛ رضائی، علی (۱۳۹۴). «حل و فصل اختلافات اعتبارات اسنادی از طریق ارجاع به کارشناسی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۴۰.
- شیروی، عبدالحسین؛ شعبانی، فریده (۱۳۹۶). «فرایند مذاکره مجدد قراردادهای سرمایه‌گذاری»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۱۵-۲۵.
- طاهری، سیدرضا (۱۳۹۶). اجرای آرای داوری خارجی در حقوق ایران، تهران: میزان، جلد اول، چاپ اول.
- قانون اساسنامه مرکز داوری ایران.

- قانون اساسی ایران، مصوب ۱۳۵۸، بازنگری شده در سال ۱۳۶۹.
- قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۱۶.
- قنبری، افسانه (۱۳۸۸). ساز و کارهای حل و فصل اختلافات در قراردادهای بین‌المللی نفتی در ایران با تاکید بر روش ADR، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران، دانشکده حقوق.
- قواعد داوری در اتاق بازرگانی بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸.
- کنوانسیون نیویورک مصوب ۱۹۵۸.
- نعمتیان، محمود (۱۳۹۶). بررسی صادرات غیرنفتی جمهوری اسلامی ایران به عراق، دهمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد و مدیریت، رشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- ALEXANDER, N., & CHONG, S. Y. (2020). Case note: Enforceability of agreements to mediate in English law.
- Guthrie, B. K., & Hioureas, C. G. (2018). Sovereignty Disputes and Offshore Development of Oil and Gas.
- Hickman, C. R., & Silva, M. A. (2018). Creating excellence: Managing corporate culture, strategy, and change in the new age. Routledge.
- Maleki, M., Eslami, M., & Rezaei, M. (2018). Principles of Arbitration in Oil Contracts. *Revista Publicando*, 5(14), 788-809.
- Mowlana, H. (2018). Roots of war: The long road of intervention. In *Triumph of the Image* (pp. 30-50). Routledge.